



ایران در دوران معاصر

ترک زبانان آذربایجان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۵ آبان ۱۳۹۳ / ۷۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

آثار باستانی تخت سلیمان در 42 کیلومتری شمال شرقی شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی قرار دارد. (دوره هخامنشیان و ساسانیان) بر پایه ی دیدگاه ریچارد فرای در دانشنامه ایرانیکا ترک زبانان آذربایجان اصولاً بر جای ماندگان پارسی زبانان ایرانی کهن بوده اند که برخی از زبان کهن ایشان هنوز در منطقه وجود دارند . مهاجرت بزرگ ترک های اغوز در سده های 11 و 12 نه تنها آذربایجان بل که آناتولی را نیز ترک زبان کرد هم چنین دیدگاه مینورسکی در دانشنامه ی اسلامی چنین است : در آغاز سده ی 5 و 11 ایلهای غز نخست در بخش ها



آثار باستانی تخت سلیمان در 42 کیلومتری شمال شرقی شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی قرار دارد. (دوره هخامنشیان و ساسانیان)

بر پایه ی دیدگاه ریچارد فرای در دانشنامه ایرانیکا

ترک زبانان آذربایجان اصولاً بر جای ماندگان پارسی زبانان ایرانی کهن بوده اند که برخی از زبان کهن ایشان هنوز در منطقه وجود دارند . مهاجرت بزرگ ترک های اغوز در سده های 11 و 12 نه تنها آذربایجان بل که اناتولی را نیز ترک زبان کرد

هم چنین دیدگاه مینورسکی در دانشنامه ی اسلامی چنین است :

در آغاز سده ی 5 و 11 ایل‌های غز نخست در بخش های کوچک و سپس با شمار فراوان تحت سلطه ی سلجوقیان آذربایجان را اشغال کردند در این زمان مردمان ایرانی تبار آذربایجان و بخش هایی از قفقاز ترک زبان شدند

بر پایه ی پژوهش های ستوچوفسکی :

بر پایه ریشه شناسی مورد پذیرش همگان نام آذربایجان از اتروپات ها ، نام یک والی پارسی مربوط به پایان سده ی 4 پ.م برگرفته برگرفته شده است . نگره ی دیگری سرچشمه ی نام آن را به واژه ی پارسی اذر (= آتش) بر میگرداند . از این پس آذربایجان سرزمین آتش به سبب نیایش گاه های زرتشتیان با آتش هایشان با ذخیره ی

فراوان نفت سوخت گیری شد . اذربایجان ویژگی ملی اش { پایگاه دینی بودن } را پس از گشایش به دست اعراب و در میانه ی سده ی 7 پ.م و سپس دگرگونی آن به اسلام نگه داشت در این زمان اذربایجان ، استانی در فرمانروایی اغازین مسلمین شد . تنها در سده ی 11 زمانی که قبایل ترک اغوز تحت فرمانروایی سلسله سلجوقیان وارد کشور شدند اذربایجان شماری وارِان ترک بدست آورد . جمعیت بومی پارسی (ایرانی) با ترک های تازه وارد ترکیب شدند و ارام ارام زبان پارسی با یک گویش ترکی - که به صورت زبان اذربایجانی مجزا ظاهر شد - جایگزین شد . فرایند ترک زبان شدن ایشان طولانی مدت و پیچیده بود که به وسیله ی رخنه امواج پیروزمند چادرنشین از آسیای میانه دنبال شد

پژوهش های نوین

در پژوهش های نوین نیز بر این پرسمان پافشاری شده است و بایسته است شماری از این پژوهش ها بازگو شوند

بر پایه ی پژوهش های مارک ویثو :

اذربایجان در سده های 8 و 9 م صحنه شورش های ضد خلیفه ای و ضد عربی بسیاری بود و منابع بیزانسی از جنگجویان پارسی ای سخن می گویند که در دهه ی 830 میلادی با پذیرش خدمت به امپراتور بیزانس تئوفیلوس از دست سپاه خلیفه جان به در بردند ... اذربایجان جمعیتی پارسی داشت و کانون سنتی دین زرتشتی بود ... خرم دینی یک فرقه ی ایرانی تاثیر گرفته از آموزه های شیعه بود ، ولی ریشه های آن در جنبش پیشاسلامی ایران جای داشت

بر پایه ی ولادمیر مینورسکی :

در نزدیک سده ی 9 و 10 جمعیت راستین و غیر مهاجر اذربایجان شامل توده ای از روستاییان بود که در زمان پیروزی عرب ها ، با واژه ی کمابیش خوار دارنده ی علوج به معنای غیر عرب چیزی همانند به رایا ی دوران پادشاهی اوتومون نام گذاری شدند

تنها نیروی جنگی این جمعیت روستایی ارام ، فلاخن بود . . آن ها به شماری از گویش ها (اُدْهَری یا آذری ، تالشی) سخن میگفتند که حتا امروزه بخش های کوچکی از این گویش ها در میان جمعیت ترک زبانان زنده مانده است . این همان جمعیت اصلی بود که بابک در شورش خود علیه خلیفه عرب بر آن ها تکیه کرد

پدیدگاه پژوهشگر برجسته و ترک شناس پر اوازه پینر گلدن در این باره چنین است که روند ترک زبان شدن مردمان اذربایجان چند مرحله بوده است چیره گی زبان تازه از ره رسیده ترکی در اذربایجان به دوران صفویان باز می گردد

زبان آذری در منابع پس از اسلام

مسعودی (سده ی 4 ق) در التنبیه و الاشراف می نویسد :

پارسیان (ایرانیان) قومی بودند که قلمروشان دیار جبال بود از ماهات و جز ان و اذربایجان تا نجاور ارمنیه و اران و بیلقان تا دربند که باب الابواب است و ری و وتبرستان و مسقط و شابران و گرگان و ابر شهر که نیشابور است و هرات و مرو و دیگر ولایت ها خراسان و سیستان و کرمان و فارس و اهواز با دیگر سرزمین عجمان که در وقت حاضر به این ولایت ها پیوسته است ، همه ی این ولایت ها یک مملکت بود ، پادشاهش یکی بود و زبان اش یکی بود ، فقط در برخی واژه ها تفاوت داشتند زیرا وقتی حروفی که زبان را بدان می نویسند یکی باشد ، زبان یکی است و گرچه در چیزهای دیگر تفاوت داشته باشد ، چون پهلوی و دری و اذری و دیگر زبان های پارسی (ایرانی)

ابو اسحاق ابراهیم استخری جغرافی نگار سده 4 ق در نوشتار خود سر راست زبان مردم اذربایجان را فارسی (الفارسیه) میخواند . ابن حوقل پایان سده ی 4 مهی نیز همین سخن را باز گفته ، به روشنی مینویسد که :

زبان مردم اذربایجان و بیش تر ارمنیه فارسی است و عربی نیز میان ایشان رواج دارد

ابو عبدالله مقدسی (پایان سده ی 4 مهی سرزمین ایران را به هشت بخش تقسیم نموده و می نویسد :

زبان مردم این هشت اقلیم ، ایرانی (العجمیه) است جز این که برخی دری و بعضی پیچیده است و همه ی انها فارسی نامیده میشود وی می افزاید که فارسی اذربایجان در حروف به فارسی خراسان شبیه است.

گویشی پهلوی اذری در منابع کهن اذری نامیده شده است

(زبان اذری را در متن های دوره بعد از اسلام پهلوی یا فهلوی نوشته اند اما زبان پارسی میانه ساسانی را هم نویسندگان های اسلامی پهلوی نوشتند. یعنی تقریباً هر زبان ایرانی به غیر از پارسی نو را پهلوی نوشته اند و این اشتباه از سده ۳ خورشیدی به صورت کامل بوجود آمده)

همان گونه که طبق نوشته ها گویش پهلوی ری را رازی نامیده اند . این گویش ویژه ی بخش اذربایجان بوده است و با زبان پارسی دری خراسان - که زبان ملی و ادبی ایران به شمار می آمد - تفاوت اندکی داشته است . همان گونه که گویش شیرازی و لارستانی با زبان پارسی دری تفاوت اندکی دارند.

هر آینه ادیبان و چامه سرایان مناطق گوناگون ایران آثار و سروده های خود را به زبان پارسی دری بر جای گذاشته اند و کمتر به گویش بومی پرداخته اند و این چنین است که از گویش کهن شیرازی یا اذری یا دیگر گویش های بومی ، به اندازه زبان پارسی دری آثار فراوانی در دست نیست (از گویش اذری شماری اثر ارزشمند بر جای مانده است که به انها خواهیم پرداخت)

بر سخن گفتن به زبان اذری در سرزمین اذربایجان در نخستین سده های اسلامی و در شمار فراوانی از نامه های ان زمان پافشاری شده است

ابن ندیم در الفهرست از زبان ابن مقفع ، کشته شده در 142 ق مینویسد :

ولی فهلوی (پهلوی) منسوب است به فله (پهل) که نام پنج شهر است : اصفهان و ری و همدان و ماه نهاوند و اذربایجان . و دری لغت شهرهای مداین است و درباریان پادشاه بدان زبان سخن میگفتند و منسوب است به مردم

دربار و لغت اهل خراسان و مشرق و لغت مردم بلخ و بر آن زبان غالب است . ولی فارسی کلای است که موبدان و علما و مانند ایشان بدان سخن میگویند و آن زبان مردم اهل فارس میباشد . ولی خوزی زبانی است که ملوک و اطراف در خلوت و مواضع لعب و لذت با ندیمان و حاشیت خود گفت وگو میکنند ...

(همین گفته را حمزه اصفهانی در یاقوت حموی و خوارزمی نیز بازگو کرده اند)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ترک زبانان آذربایجان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1574/pdf/ترک-زبانان-آذربایجان.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵